

بررسی سیاست خارجی ترکیه و تهدیدات امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران (از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۳)

نیلوفر حمدی^۱ - حسین احمدی^۲* - سعید میرترابی^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

چکیده:

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه تلاش کرد تا با ورود به عرصه‌های همگرایی با نظام بین‌المللی، مناسبات امنیتی سیاست خارجی را گسترش دهد. پرسش اصلی این است که چه الگویی بر مناسبات امنیتی سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۳ حاکم بود و اتخاذ این سیاست چه تهدیدات امنیتی برای ایران در پی داشت؟ براساس مکتب کپنهاگ فرض خواهد شد که سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ در حوزه امنیتی تغییر زیادی داشته و از مناسبات امنیتی در بعد نظامی کاسته و سیاست خارجی این کشور حول موضوعات امنیتی مثل مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی استوار گشته است. رابطه ترکیه با آمریکا، شرکت در ائتلاف اسرائیل و آذربایجان، اتحاد با کشورهای عرب مخالف ایران، موجب تهدید امنیت ایران در زمینه‌های سیاسی- نظامی، اقتصادی و اجتماعی شد. هدف پژوهش حاضر واکاوی ابعاد و تأثیرات مختلف امنیتی سیاست خارجی ترکیه است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، تهدیدات امنیتی، مکتب

کپنهاگ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

JPIR-2101-1726

^۱ - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران

^۲ - گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران: نویسنده مسئول

^۳ - استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه

امنیت به مانند سایر مفاهیم علوم اجتماعی، مفهومی پیچیده، مبهم برای تعریف می‌باشد. به همین دلیل، مفهوم امنیت در هر یک از رویکردهای روابط بین‌الملل دچار تغییر در تعریف و یا حتی ماهیت می‌گردد. به عنوان مثال، در حالی که مطالعات سنتی رئالیست‌ها امنیت را در نبود "تهدیدات نظامی" تعریف می‌کند، لیبرال‌ها امنیت را در وجود "صلح" جستجو می‌نمایند. با فروپاشی شوروی و از بین رفتن نظام دو قطبی و تسریع در روند جهانی شدن، سیاست خارجی کشورها در حوزه امنیتی تغییر چشمگیری داشته و از حجم مناسبات امنیتی در بعد نظامی کاسته شده و مناسبات بیشتر حول محور موضوعات چندگانه ی امنیتی از جمله مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی استوار گشته است. سیاست خارجی ترکیه و سایر کشورهای خاورمیانه نیز از این امر مستثنی نیست.

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۲ ترکیه، تحولی مهم در سیاست خارجی ترکیه به وجود آمد. همزمان با تغییر شرایط بین‌المللی پس از جنگ سرد و در پاسخ به نیازهای جدید منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست خارجی ترکیه نیز دگرگون شد. این کشور همه تلاش خود را به کار بست تا با ورود به عرصه‌های تعامل و همگرایی با نظام بین‌المللی، مناسبات امنیتی سیاست خارجی را در حوزه‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی-هوینی خود را گسترش دهد. این کشور تلاش می‌کند با الحاق به اتحادیه اروپایی ثابت کند به لحاظ تاریخی، راهبردی و اقتصادی به اروپا تعلق دارد و با بهره‌گیری از موقعیت راهبردی خود در اروپا و قفقاز و آسیا و با ایجاد ساختارهایی مدرن و توسعه‌یافته و در دست گرفتن ابتکار میانجیگری در منازعات میان کشورهای همسایه، در چالش‌های مهم منطقه‌ای ایفای نقش کند. (حسینی، ابراهیمی و شاه‌قله، ۱۳۹۱: ۷۳)

نگاهی کوتاه به اقدامات ترکیه در سال‌های اخیر و به ویژه از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۳ (پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه)، به روشنی تغییرات در سیاست خارجی ترکیه را نشان می‌دهد. آنکارا بی‌وقفه در مسیر رسیدن به جایگاه شایسته‌تر در جهان اسلام و عرصه‌ی روابط بین‌الملل در حرکت است و نمود آن را در گسترش روابط این کشور با کشورهای اسلامی و خاورمیانه می‌توان مشاهده کرد. این سیاست آنکارا «نوع‌ثمانی‌گرایی» نامیده شده است. ترکیه پس از چند دهه گرایش یک جانبه به غرب، اکنون راه میانه و سیاست متعادل-تری را در قبال همسایگان و خاورمیانه در پیش گرفته و متناسب با منافع ملی خود، روابطش را با جهان اسلام و غرب گسترش می‌دهد.

با این مقدمه به سراغ پرسش اصلی این مقاله می‌رویم. پرسش اصلی، این است که چه الگویی بر مناسبات امنیتی سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۳ حاکم است؟ و اتخاذ این سیاست خارجی چه چالش‌ها و تهدیدات امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران در پی دارد؟ براساس رویکرد مطالعات امنیتی مکتب کپنهاگ فرض خواهد شد که سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۳ در حوزه امنیتی تغییر چشمگیری داشته و از حجم مناسبات امنیتی در بعد صرف نظامی کاسته شده و سیاست خارجی این کشور بیشتر حول محور موضوعات چندگانه‌ی امنیتی از جمله مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی استوار گشته است. ترکیه با مناسبات امنیتی با آمریکا، شرکت در ائتلاف اسرائیل و آذربایجان، اتحاد و همراهی با کشورهای عرب مخالف ایران، مداخله در منطقه‌ی خاورمیانه و ترویج و توسعه‌ی لیبرال دموکراسی غربی، موجب تهدید امنیت ایران در زمینه‌های سیاسی- نظامی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی می‌شود.

بنابراین هدف پژوهش حاضر واکاوی ابعاد و تأثیرات مختلف امنیتی سیاست خارجی ترکیه است. برای این منظور بخش نخست پژوهش به بررسی مبانی نظری رویکرد مطالعات امنیتی مکتب کپنهاگ می‌پردازد. در ادامه، ماهیت سیاست خارجی جدید ترکیه، براساس این رویکرد تحلیلی امنیتی می‌شود. بخش سوم، بازتاب‌های منطقه‌ای آن را دنبال خواهد کرد و در بخش نهایی نیز به چالش‌های این سیاست خارجی بر سیاست خارجی ایران پرداخته خواهد شد. روش جمع‌آوری داده‌ها، بهره‌گیری از مطالعه اسنادی (کتب، مجلات، مقالات معتبر داخلی و خارجی) است و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز، روش توصیفی- تحلیلی است.

مطالعات امنیتی مکتب کپنهاگ

هدف اصلی این بخش، معرفی مطالعات امنیتی مکتب کپنهاگ به عنوان دستورکار پژوهش حاضر برای شناخت مفهوم امنیت در مناسبات امنیتی خاورمیانه به طور کلی و ترکیه و ایران به طور خاص است. در ابتدا مکتب کپنهاگ و چشم‌انداز امنیتی آنها معرفی و سپس نحوه‌ی کاربست این نظریه بر مناسبات امنیتی مناسبات امنیتی خاورمیانه و دستورکار سیاست خارجی ترکیه و ایران تحلیل خواهد شد.

مکتب کپنهاگ رویکردی به مطالعات امنیتی است که ریشه در کتاب بری بوزان^۱ با عنوان مردم، دولت‌ها، هراس: مسئله امنیت ملی در روابط بین‌الملل (۱۹۸۳) دارد. بری بوزان و همفکران

^۱.Barry Buzan

او با مجموعه‌ای از کتاب‌های نوشته شده بعد از جنگ سرد، به مرکز کپنهاگ برای پژوهش‌های صلح پیوستند. وی به همراه اولی ویور^۱ یک رهیافت ابداعی از امنیت را بسط داد که از آن به نام "مکتب کپنهاگ" یاد می‌شود. در این مطالعات و کتاب‌های جدید، مؤلفان گام بیشتری به سوی بسط رهیافت جامع و ساختگرا از امنیت برداشتند. بوزان در کتاب امنیت: یک شبکه جدید برای تحلیل تلاش می‌کند که رئالیسم پیشین خود را با یک چشم‌انداز ساخت‌گرایی صریح تلفیق کنند. این مکتب نقش سیاسی تجزیه و تحلیل امنیتی را بیان می‌کند و آن را از رهگذر پذیرش چشم‌انداز "امنیتی کردن"^۲ انجام می‌دهد. "امنیتی کردن"، یک موضوع را به مثابه یک تهدید وجودی که مستلزم مقیاس‌ها و معیارهای اضطراری و فوری می‌باشد، طبقه‌بندی می‌کند. با فراهم آوردن یک تئوری زبانی ساختگرا، "امنیتی کردن" به صورت ماهیتی مرتبط با سیاست قدرت ملاحظه می‌شود. به عبارت روشن‌تر، "امنیت" به مثابه سازه و ترکیب اجتماعی ملاحظه می‌شود. (ابراهیمی، ۱۳۷۹: ۱۲۸)

به هر جهت، مکتب کپنهاگ تنها رهیافت مبتنی بر مطالعات امنیتی است. این مکتب که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی انسجام یافت با رد نظامی محوری در مطالعات امنیتی، امنیت تک بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش داد. عامل تعیین‌کننده‌ی امنیت در این مکتب میزان رهایی از تهدید است و کشورها امنیت خود را بر آن اساس مورد سنجش قرار می‌دهند. مفهوم امنیتی ساختن یکی از کانونی‌ترین مفاهیم مکتب کپنهاگ است و تعریف امنیت به عنوان کنش کلامی مرکز ثقل این بحث می‌باشد. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۶) امنیتی ساختن به فرایندی گفته می‌شود که منجر به قراردادن برخی موضوعات در چارچوب امنیت می‌گردد، در حالی که قبلاً در این حوزه قرار نداشته است. امنیتی کردن در تمام حوزه‌های نظامی و غیرنظامی ممکن می‌شود و در تمام ابعاد امنیت نیز یکسان عمل می‌کند. (Friis, 2000: 3) بدین صورت که از یک بعد از ابعاد پنجگانه شروع شده و به دیگر ابعاد تسری می‌یابد و در نتیجه، تفکیک حوزه‌های امنیتی را دشوار می‌سازد. در چارچوب مفهوم امنیتی ساختن دو شرط وجود دارد که می‌تواند موضوعی را امنیتی سازد یا از آن امنیت‌زدایی کند؛ که این دو موضوع عبارتند از: گفتمان امنیتی‌ساز و شکستن قوانین و رویه‌های موجود گفتمان امنیتی‌ساز که خود شامل کنشگران امنیتی‌ساز و کنشگران کارآمد می‌شود. کنشگران امنیتی‌ساز فرد یا گروهی هستند که موضوعات را با اظهار این مسأله که چیزی از نظر وجوبی

¹. Ole Weaver

². Securitization

در معرض تهدید است، امنیتی می‌سازد. مهم‌ترین کنشگران امنیتی‌ساز دولت‌ها هستند که از طریق توانایی‌ها و اختیارات خود مانند رسانه یا اقتصاد عمل می‌کنند. (محسنی و صالحی، ۱۳۹۰: ۶۱۶)

از نظر مکتب کپنهاگ اگرچه امنیت فردی گویای سطح مشخص و مهمی از تحلیل سیاست است، اما افراد نمی‌توانند به عنوان مرجع امنیت شناخته شوند. مکتب کپنهاگ با رد فردمحوری در مرجع امنیت، تمرکز خود را بر روی دولت به عنوان محور امنیت قرار می‌دهد و معتقد است دولت‌ها به دلیل اقتدار سیاسی و درخواست وفاداری سیاسی حالتی مسلط و غالب داشته و بر ابزارها مسلط هستند. در نتیجه بنابه دلایل زیر دولت مرجع امنیت است: (۱) دولت است که باید بر مسائل بین‌المللی، دولتی و غیردولتی فائق آید؛ (۲) دولت اولین عامل کاهش عدم امنیت است؛ (۳) دولت بازیگر غالب در نظام بین‌الملل است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۲۳)

کاربست سیاست خارجی ترکیه در چارچوب نظریه‌ی امنیتی کپنهاگ

اما چگونه می‌توانیم از این مفهوم امنیت در مکتب کپنهاگ برای تحلیل سیاست خارجی بهره ببریم. دیدگاه اصلی پژوهش همانطور که اشاره شد، این است که با فروپاشی شوروی و از بین رفتن نظام دو قطبی، ما شاهد آن هستیم که سیاست خارجی کشورها، به‌خصوص در حوزه امنیتی تغییر چشمگیری داشته و از حجم مناسبات امنیتی در حوزه‌های نظامی کاسته شده و مناسبات سیاست خارجی بیشتر حول محور موضوعات چندگانه‌ای استوار گشته است. مکتب کپنهاگ هم همانطور که بحث شد، مفهوم امنیت موسع را در برابر امنیت به معنای محدود و مضیق آن در مطالعات سنتی امنیت قرار می‌دهد که بر محور نظامی به عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بوده است.

سیاست خارجی ترکیه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ را تنها براساس مطالعات سنتی امنیت با تمرکز بر محور نظامی به عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت نمی‌توان مورد تحلیل قرار داد. این برهه از سیاست خارجی ترکیه در نگاه تک بعدی و مضیق به امنیت نمی‌گنجد. همانطور که اشاره شد، مکتب کپنهاگ با نگاه تک بعدی و مضیق به امنیت مخالف است و امنیت تک بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش داد. هدف مرجع مناسبات سیاست خارجی ترکیه در بعد نظامی، دولت است. آستانه‌ی امنیتی نیز به کارگیری زور یا تهدید به استفاده از زور است که می‌تواند روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تحت الشعاع قرار دهد. در بعد سیاسی، هدف مرجع حاکمیت و نهادهایی که نمود آن هستند، می‌باشد. تهدید وجودی در بخش سیاسی می‌تواند

فاعل محور و یا ساختار محور باشد. به عنوان مثال رژیم‌های غیرمردمسالار و دیکتاتوری یک تهدید وجودی ساختار محور در سیاست خارجی ترکیه محسوب می‌شود. در بخش اقتصادی، تشخیص اهداف مرجع بسیار دشوار است. اغلب اوقات تهدیدات اقتصادی در بازار رقابت آمیز جزو امور عادی هستند و به راحتی نمی‌توان آنها را در چارچوب امنیتی قرار داد. دو فاکتور اساسی می‌تواند تهدیدات بخش اقتصادی را به تهدیدات وجودی تبدیل کند؛ اول آنکه این تهدیدات بقای جمعیت کشور را مورد تهدید قرار دهد و دوم آنکه تاثیر بر بخش نظامی داشته باشند. این مورد را به ویژه پس از بحران اقتصاد جهانی و بهار عربی می‌توان دنبال کرد. در بخش اجتماعی مرجع امنیت «هویت» است. دو عامل اساسی در تبدیل مسائل هویتی به تهدید وجودی و امنیتی شدن نقش دارند؛ اول، مسئله «تصورات» صاحبان هویت است و اینکه حساسیت آنها به چه باشد. به طور مثال، ممکن است برای برخی از هویت‌ها، مهاجرت و اختلاط نژادی بسیار مهم و تحریک‌پذیر باشد تا جایی که آن را به یک موضوع امنیتی تبدیل کند. دوم، آنکه تهدیدات اجتماعی منجر به دامن زدن به کشمکش و منازعه میان دولتها گردد. در این مورد، موضوع تروریسم و مهاجرات نقش بسزایی در مناسبات سیاست خارجی ترکیه یافته است. بخش زیست محیطی؛ تهدیدات زیست محیطی بزرگ با اشکال وسیع در چارچوب سیاست خارجی ترکیه قرار می‌گیرند.

از چشم‌انداز مکتب کپنهاگ، سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۲ بازتعریفی است که نخبگان مبدع آن از جایگاه ترکیه و مناسبات امنیتی آن ارائه داده‌اند. در این برهه زمانی سیاست خارجی ترکیه تحت تأثیر اندیشه‌های بنیانگذاران جمهوری ترکیه و در راس آنها کمال آتاتورک قرار دارد. شش اصلی را که آتاتورک برای نظام سیاسی جدید عنوان کرد در قانون اساسی ۱۹۳۸ این کشور منعکس گردید: جمهوری خواهی، ناسیونالیسم، توده‌گرایی، انقلابیگری، جدایی دین از سیاست و دولت‌گرایی، اصول شش‌گانه‌ای هستند که بعدها به کمالیسم معروف شدند. اصول شش‌گانه کمالیسم، نحوه اعمال قدرت حکومت بر جامعه و میزان آن، کوشش برای دگرگونی اجتماعی و اقتصادی در جامعه و شکل و ساختار سیاسی ترکیه را معین می‌کرد. (کواکبی، ۱۳۷۵: ۶۹) در آغاز هزاره جدید، ترکیه لزوم بازتعریف جایگاه خود را در نقشه جهان احساس کرد. گفتمان سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه یا همان گفتمان نوع‌ثمنی‌گرایی بازتعریفی جدید از نقش ترکیه است. تنوع‌بخشی در سیاست خارجی از طریق به حداکثر رساندن منافع استراتژیک یکی از جهتگیری‌های نادری بود که به نظر می‌رسید دولت و نهادهای کشوری در مورد آن اتفاق نظر داشته باشند. این رویکرد جدید در عرصه سیاست خارجی بیشتر

بر همسایگان، امنیت دریای سیاه و پویش‌های خاورمیانه تمرکز دارد. (Goksel, 2008: 14) در همین راستا و براساس دکترین عمق استراتژیک احمد داوود اوغلو، ترکیه با ایجاد توازن در سیاست بین‌المللی و منطقه‌ای در عین تمایل به سوی آمریکا و تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا، با فاصله‌گرفتن از برخی سیاست‌های دولت قبلی، سیاست نگاه به شرق خود را معطوف به مناسبات گسترده و همه جانبه با کلیه همسایگان خود ساخته است. ترکیه براساس گفتمان نوع‌مانی به جای آنکه صرفاً دنباله‌رو گسترش «طرح‌های جهانی» باشد باید سیاست خودش را بسازد و به عنوان کشوری شناخته شود که روابط فرهنگی با منطقه خود دارد. به اعتقاد داوود اوغلو، ترکیه یک «نگرش راهبردی برای آینده منطقه خود دارد» که بر پایه چارچوب‌های امنیتی مشترک، گفتگوی سیاسی، وابستگی متقابل اقتصادی و موازنه قومی و فرهنگی است. به عبارت دیگر، نگرش او به ترکیه به عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای است. (مفیدی احمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۷۸)

رهیافت سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، امنیت را در معنای مضیق فقدان تهدید نظامی تعریف نمی‌کند، بلکه تعریفی موسع از آن به دست می‌دهد. این رویافت به دنبال پایان اختلافات و ارتقای ثبات در ترکیه، جایگزینی اختلافات با همکاری، یافتن سازوکار و شبکه‌های ابتکاری برای حل منازعات منطقه‌ای، تشویق تغییر مثبت در منطقه و ساختن پیوندهای بین فرهنگی گفتگو و درک متقابل است. ترکیه همزمان افزایش امنیت اقتصادی و سیاسی و کسب نفوذ سیاسی و اقتصادی در مناطقی که در گذشته تاریخی جزو حوزه‌ی نفوذ امپراطور عثمانی بود (مناطقى چون بالکان، آسیای مرکزی و خاورمیانه) دنبال می‌کند. تا پیش از این تغییرات، ترکیه به عنوان یک عضو ناتو در یک بخش بی‌ثبات ولی با اهمیت راهبردی در جهان مطرح بود که به وسیله قدرت نظامی و ساختار کمالیستی پایه‌ریزی شده بود. این ساختار بر ابزارهای قدرت سخت کلاسیک استوار بوده و بیشتر واکنشی بود تا فعال و کنشی و در ضمن قدرت-های خارجی چون ایالات متحده در آن نفوذ قابل توجهی داشتند.

مطالعه سند چشم‌انداز ۲۰۲۳ ترکیه نشان می‌دهد که نخبگان جدید ترکیه، امنیت این کشور در ساختار جدید نظام بین‌الملل را چند بعدی در نظر می‌گیرند. به اعتقاد آنها مبانی این تجدید ساختار، اقتصاد و امنیت در سایه رفع نیاز جهانی به انرژی و مواد خام، گسترش تجارت جهانی در سایه قوانین اقتصاد بازار آزاد و حفظ ثبات مالی در سطح جهان، کاهش فقر و افزایش رفاه عمومی است. چهار عامل اصلی جایگاه سیاسی ترکیه چند وجهی از منظر این نخبگان موارد زیر را شامل خواهد شد: (۱) ایجاد همگرایی با اتحادیه اروپا؛ (۲) همکاری استراتژیک منطقه‌ای

با آمریکا و نه شراکت کامل سیاسی و استراتژیک. روابط سیاسی دو کشور باید بر مبنای همکاری-های استراتژیک در حوزه اجتماعی، انرژی، تجارت و امنیت باشد؛ (۳) دیپلماسی ارزش‌ها با منطقه: ترکیه باید براساس دیپلماسی ارزش‌ها با کشورهای منطقه ارتباط داشته باشد. به خاطر تفاوت‌های مذهبی، ترکیه نمی‌تواند الگوی سیاسی کامل برای کشورهای منطقه باشد. اما می‌تواند در مورد ارزش‌های معاصر همانند افزایش شاخص توسعه انسانی و هنجارهای قانونی بین‌المللی نمونه باشد. ترکیه می‌تواند این ارزش‌ها را از طریق دیپلماسی ارزش‌ها به کشورهای منطقه انتقال دهد؛ (۴) سازندگی سیاسی منطقه‌ای و جهانی با سازمان‌های بین‌المللی: ترکیه باید در مسائل منطقه‌ای و جهانی در سازمان‌های بین‌المللی که عضو آنهاست، سیاست‌گذاری و مداخله کند. ترکیه باید مشارکت خود در نهادهای بین‌المللی را افزایش دهد. بنیانگذار و رهبر نهادهای منطقه‌ای باشد و در پیکره مدیریتی آنها نقش داشته باشد. جایگاه امنیتی ترکیه از چهار عامل تشکیل می‌شود: (۱) همکاری منطقه‌ای با ایالات متحده برای مقابله با تهدید امنیتی منطقه‌ای، ترکیه باید به عنوان یک نیروی ثابت و نه نیروی مداخله‌گر در واحدهای ائتلافی ایجاد شده توسط ایالات متحده همکاری کند (۲) همکاری با اتحادیه اروپا (۳) ترکیه باید به عنوان یک نیروی بازدارنده و منبع ثبات عمل نماید. مهم‌ترین نیروی بازدارنده، گسترش روابط دوجانبه با کشورهای منطقه است تا امنیت حمل و نقل و نیز امنیت منابع وسیع انرژی منطقه تأمین گردد (۴) فعال بودن در سازمان‌های بین‌المللی امنیتی چون ناتو. جایگاه اقتصادی، اجتماعی تجاری و انرژی ترکیه در جهان نیز از عوامل زیر تشکیل خواهد شد؛ (۱) شراکت تجاری و اقتصادی زیاد با اتحادیه اروپا و تبدیل شدن به چهارمین شاهره تأمین انرژی اروپا؛ (۲) همکاری منطقه‌ای با آمریکا: ترکیه باید در زمینه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم و سرمایه‌گذاری مالی روابط اقتصادی خود با آمریکا را تقویت کند. توسعه و غنی‌سازی کریدور شرق-غرب انرژی نیز از دیگر جنبه‌های همکاری منطقه‌ای دو کشور است؛ (۳) دیپلماسی تجاری و اقتصادی چند-جانبه با کشورهای منطقه: کشورهای نزدیک در منطقه نقش مهمی در جایگاه جهانی تجاری و اقتصادی ترکیه دارند. در روند حرکت به سمت جهانی شدن، ترکیه باید روابط تجاری و اقتصادی خود را با کشورهای منطقه افزایش دهد و در منطقه خود به عنوان مرکز خدمات منطقه‌ای، پل انرژی و منبع تأمین آب ظاهر شود؛ (۴) روابط دوجانبه با سایر کشورها (مفیدی‌احمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۷۸-۱۰۸۰)

بازتاب‌های سیاست خارجی ترکیه بر منطقه خاورمیانه

ترکیه با بازتعریف مناسبات امنیتی خود از سال ۲۰۰۲ تلاش کرده تا به عنوان یک کشور

در مجموعه تمدن اسلامی و در عین حال مدرن و دموکراتیک، جایگاه رشد و توسعه خود را به ظرف تمدنی خود منتقل کند و در میان کشورهای اسلامی به عنوان کشوری بزرگ مدرن مطرح شود. (امیدی و رضایی، ۱۳۸۹: ۲۴۲) بنابراین هرچند سیاست خارجی ترکیه براساس نوعی هویت‌جویی جدید شکل گرفته است، اما یکی از اهداف آن بازیابی هویت منطقه‌ای براساس تلفیق اندیشه اسلام متساهل با دستاوردهای مدرنیته که خواستگاه اجتماعی استواری در مصر، تونس، مراکش، سوریه و کشورهای عرب دارد، است؛ این بازیابی هویت منطقه‌ای اول اینک ترکیه را بازیگر محوری در منطقه می‌کند و به عبارتی، همه کشورهای منطقه از ایران، حماس و کشورهای عربی، می‌کوشند تا از مجرای دیپلماسی ترکیه مشکلات خود را با جهان حل‌وفصل کنند. این دیدگاه، هم مزیت اقتصادی برای ترکیه دربردارد و هم مزیت فرهنگی. مزیت اقتصادی حضور ترکیه در بازار منطقه‌ای است، به‌گونه‌ای که بعد از عقد اخوتی که میان ترکیه و سوریه بسته شد، بخش زیادی از بازارهای سوریه در اختیار ترکیه قرار گرفت. بسیاری از کشورهای منطقه، الگوی ترکیه را الگوی مطلوب برای خود قلمداد کردند، بعضی از رهبران اپوزیسیون منطقه مانند اپوزیسیون سوریه به‌صراحت از الگوی ترکیه به‌عنوان الگوی جانشین در کشور خود نام می‌بردند. (ابراهیمی و شاه‌قلعه، ۱۳۹۱: ۷۶)

براساس رویکرد مکتب کپنهاگ، سیاسی خارجی ترکیه در خاورمیانه صرفاً براساس فاکتور-های صرفاً امنیت نظامی و سیاسی قابل تحلیل نبوده، بلکه تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و هویتی و فرهنگی قرار دارد. عواملی که نقش تهدیدزایی برای دولت بازی کرده و به مثابه معیاری برای رفتار این کشور محسوب می‌شوند. پس سیاست خارجی ترکیه براساس معیاری عینی و هنجاری شکل گرفته است و در تحلیل سیاست خارجی نظام سیاسی ترکیه از منظر امنیتی آن باید به تأثیر ابعاد چندگانه امنیت در جامعه و تاریخ این کشور پرداخت. مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ابعاد چندگانه امنیت این کشور، منطقه‌ی خاورمیانه است.

در یک ارزیابی کلی می‌توان بازتاب‌های منطقه‌ای سیاست خارجی ترکیه را در موارد زیر خلاصه کرد:

الف) نگاه به شرق به جای نگاه صرف به غرب: ترکیه با ایجاد توازن در سیاست بین‌المللی و منطقه‌ای در عین تمایل به سوی امریکا و تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا، با فاصله گرفتن از برخی سیاست‌های دولت قبلی، سیاست نگاه به شرق خود را معطوف به مناسبات گسترده و همه‌جانبه با کلیه همسایگان خود ساخته است.

ب) تلاش برای حل‌وفصل مسئله کردها در داخل و جذب کردهای منطقه به سوی خود:

نمود این سیاست را به صورت بارز در تغییر سیاست خارجی ترکیه در کردستان عراق می‌توان مشاهده کرد. رهیافت ترکیه در قبال اقلیم کردستان تا سال ۲۰۰۸ مبتنی بر «سیاست خط قرمز» بود که براساس آن ترکیه مخالف هرگونه استقلال عمل کردها در عراق بوده و رابطه این کشور با اقلیم کردستان از مجرای حکومت مرکزی عراق صورت می‌پذیرفت.

پ) تلاش برای برقراری مناسبات با ارمنستان: وزرای خارجه‌ی ترکیه و ارمنستان با امضای یادداشت تفاهم در نوامبر ۲۰۰۹ با میانجیگری آمریکا، سوئیس، روسیه و فرانسه به عادی-سازی روابط دیپلماتیک مبادر کردند.

ت) تلاش برای به دست گرفتن رهبری جریان اخوان: حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان نمی‌تواند در کشور ترکیه به مانند احزاب لائیک و سکولار رفتار کند و انتظار تداوم حیات سیاسی هم داشته باشد، چرا که هویت آن در راستای باورهای اصیل اخوانی مفصل‌بندی شده است. ترکیه از زمانی که تحولات عربی در شمال آفریقا شروع شد، بر اساس تئوری همسایگی و سرایت آن به دیگر کشورها، نگاه مشترکی به فعالیت‌های اخوان پسا مبارک داشت. نگاه ترکیه به مصر محمد مرسی نگاه اسلامگرایانی بود که رویکرد نوعثمانی‌گرایی را دنبال می‌کرد. آنها همچنین در دولت جدید مصر مساله نواخوانی را در راس فعالیت‌های خود قرار دادند. از این‌رو موضوعی که اردوغان یا اوغلو دنبال می‌کردند، ریشه آن برخاسته از فعالیت‌های اخوانی است، از این‌رو به دنبال اخوانی‌های مدرن یا اصلاحی هستند.

ج) تقویت روابط با روسیه: با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، ترکیه و روسیه توانستند در ملاقات‌های متعدد که میان مسئولان بلندپایه دو کشور انجام شد در برخی زمینه‌ها به تفاهم برسند. به‌ویژه در زمینه انرژی، بیش از ۷۰ درصد گاز ترکیه از روسیه وارد می‌شود و میان دو کشور، در بستر دریای سیاه، یک لوله انتقال گاز صادراتی اختصاصی به نام «بلواتریم» کشیده شده است. دو کشور قراردادی جداگانه برای گسترش تجارت انرژی امضا کرده‌اند که می‌تواند ترکیه را به کشوری کلیدی به‌منظور گسترش ترانزیت گاز روسیه به اروپا تبدیل کند. حجم تجارت میان دو کشور به سطحی بی‌سابقه رسیده است. (کرمی، ۱۳۹۰: ۶۴)

د) فعال شدن سیاست منطقه‌ای ترکیه در خاورمیانه.

ر) احیای روابط با جهان عرب: ترکیه در یک دهه اخیر به یکی بازیگران مهم و تأثیرگذار خاورمیانه تبدیل شده بود. این سیاست را به شکل بارز در مناسبات ترکیه با سوریه پیش از تحولات موسوم به خیزش عربی می‌توان دنبال کرد. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ این دو کشور روابط پرتنشی را تجربه کردند، اما تهدید ترکیه به سوریه در صورت ادامه یافتن

حمایت‌های دمشق از «پ ک ک»، در اکتبر ۱۹۹۸ بحران را در روابط دو کشور به اوج رساند. سوریه در برابر برتری نظامی ترکیه از مواضع خود عقب نشست و دست به اخراج عبدالله اوچالان، رهبر «پ.ک.ک»، و بستن اردوگاه‌های تمرینی این گروه زد. این تغییر موضع دمشق، راه را برای بهبود تدریجی روابط هموار کرد. بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۹، دو کشور حدود ۵۰ توافق‌نامه همکاری امضاء و ایجاد شورای عالی همکاری استراتژیک را اعلام کردند. علاوه بر این، ترکیه و سوریه نخستین تمرین نظامی مشترک را انجام دادند. در سال ۲۰۱۰، ترکیه و سوریه توافق‌نامه تاریخی مبارزه با تروریسم را امضا کردند و در سال ۲۰۱۱، ترکیه به بزرگ‌ترین شریک تجاری سوریه تبدیل شد.

ک) میانجیگری در روند صلح اعراب و اسرائیل با داشتن سمپاتی به فلسطینیان.

ی) نزدیک‌تر شدن به ایران.

در کل باید گفت ترکیه تلاش می‌کند که پتانسیل‌های تأثیرگذاری کشور خود را بر این ساختار منطقه‌ای مدنظر قرار دهند و به این ترتیب، امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی خود را تأمین کند. از نظر اردوغان، ترکیه تنها کشور خاورمیانه است که می‌تواند با مجموعه‌ای از کشورهای متضاد مانند ایران، اسرائیل، آمریکا، اعراب و اروپا تعامل داشته باشد و این به منزله‌ی قدرت نرم ترکیه است که کمتر کشور چنین توانایی را داراست. با شروع سال ۲۰۱۱ و تحولات در جهان عرب که به بهار عربی معروف شده است، با توجه به شکل‌گیری نگرش مثبت به ترکیه در جهان عرب، ترکیه نقش فعال‌تری را در تحولات مربوط به تونس، لیبی، سوریه و به ویژه مسئله فلسطین برعهده گرفته است. تحت تأثیر این تحولات در یک دهه اخیر مناسبات ترکیه با جهان عرب در راستای سیاست نگرش به شرق گسترش قابل توجهی را نسبت به قبل پیدا کرده است. اما تحولات بهار عربی پیچیدگی‌های خاصی را به سیاست خارجی ترکیه بر این منطقه سایه افکنده است، زیرا ترکیه با دولت‌های حاکم بر این منطقه مناسبات سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای را ایجاد کرده بود، که همزمان نمی‌توانست همان سطح از مناسبات را با اپوزسیون و گروه‌های مردمی مخالف ایجاد کند. با توجه به روند تحولات سیاست خارجی ترکیه در چند سال اخیر به نظر می‌رسد در کشورهایی که چشم‌انداز تضعیف و فروپاشی رژیم نمایان شده است، ترکیه تلاش کرده است با میزبانی اجلاس‌های مخالفان و همکاری با نیروهای بین‌المللی مانند ناتو و شورای امنیت موقعیت مناسبی را برای آینده مناسبات امنیتی خویش با این کشورها فراهم کند. لیکن در کشورهایی که چشم‌انداز تحول جدی نیست یا شانس نظام حاکم برای تداوم حکومت خویش نسبتاً قطعی به نظر می-

رسد، ترکیه مواضع محتاطانه‌ای اتخاذ کرده، تلاش می‌کند برای حفظ منافع، امنیت و مراودات خویش همچنان با این نظام‌ها مناسبات حسنه خویش را ادامه دهد. هرچند به طور کلی بر اصلاحات و توجه به خواست گروه‌های مردمی و مخالف تأکید می‌نماید. (حیدری و رهنورد، ۱۳۹۰: ۱۵۷-۱۵۸)

چالش‌ها و تهدیدات امنیتی سیاست خارجی ترکیه برای جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی ترکیه را می‌توان در ایجاد ارتباط بین هویت اسلامی، اوراسیایی و اروپایی ترکیه و ترغیب این کشور برای بهبود روابط با تمام همسایگان و از آن جمله با کشورهای خاورمیانه جستجو کرد. با سقوط رژیم عراق، زمینه‌های مساعدی برای ناسیونالیسم کردی در عراق فراهم شد، ترکیه فعالیت‌های بیشتری را برای یافتن متحدان ضدکردی در ایران و سوریه پی گرفت و روابط آنکارا با تهران و دمشق به صورت قابل توجهی رو به بهبود نهاد. (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۶) بر همین اساس است که در سال‌های اخیر روابط ایران و ترکیه رو به گسترش نهاده است، ثبات نسبی حاکم بر روابط ایران و ترکیه باعث مرتفع شدن سوءتفاهم‌ها و ایجاد زمینه‌ای مناسب برای اعتمادسازی دوجانبه شده است. همکاری‌های دو کشور ایران و ترکیه در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی گسترش یافته و همکاری‌های دراز مدت آتی در عرصه‌های امنیتی، مبارزه با تروریسم و احداث خطوط لوله انتقال گاز طبیعی، مدنظر دو طرف است. اوضاع سیاسی در شمال عراق و آینده اکراد این کشور از دیگر حوزه‌های همکاری ایران و ترکیه است. ایران و ترکیه به شدت با نفوذ اسرائیل در شمال عراق و جدایی طلبی کردها از دولت مرکزی عراق، مخالف هستند. گسترش حجم تبادلات تجاری و بازرگانی ایران و ترکیه در سال‌های اخیر بر کسی پوشیده نیست. (نقدی‌نژاد، ۱۳۸۷)

اما با وجود این تأثیرات مثبت، سیاست خارجی ترکیه تهدیدات و چالش‌هایی برای ایران و سیاست خارجی آن در منطقه‌ی خاورمیانه دارد. براساس نظریه‌ی امنیتی مکتب کپنهاگ، تهدیدات امنیتی تأثیرگذار را باید در قالب مؤلفه‌های مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی فرهنگی-اجتماعی و یا هویتی، ارزیابی کرد. در ادامه، برخی از مهم‌ترین حوزه‌های چالش‌برانگیز سیاست خارجی ترکیه برای ایران تحلیل خواهد شد.

- رابطه عمیق و راهبردی با آمریکا

ترکیه مناسبات نزدیکی با غرب و به ویژه آمریکا دارد. این رابطه، تهدید امنیتی نظامی و سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران است. ریشه‌ی این همگرایی به وجود تهدیدات امنیتی-شوروی در طول جنگ سرد برای طرفین بر می‌گردد. البته می‌توان به بحث هویتی و ارزش-

های حاکم بر ترکیه رساند. نظام سیاسی حاکم بر ترکیه ملهم از ارزش‌های غربی است و دموکراسی و حقوق بشر را می‌توان عامل پیوند دهنده‌ی آن با آمریکا دانست. با این تفاسیر، اصلی‌ترین منافع ترکیه در حفظ روابط استراتژیک با آمریکا را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: نیاز به حمایت‌های اقتصادی و مالی آمریکا، به‌ویژه در نهادهای مالی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که در حل بحران‌های مالی ترکیه نقش داشتند؛ حفظ جایگاه مناسب در ناتو و نظام امنیت دسته‌جمعی اروپایی؛ اعمال فشار به اتحادیه اروپا برای پذیرش عضویت ترکیه؛ استفاده از توان و دانش نظامی آمریکا برای نوسازی سیستم دفاعی ارتش با هدف حفظ برتری نظامی ترکیه به همسایگان خود؛ حضور ترکیه در شکل‌دهی به آینده شمال عراق و مسئله کردها؛ ورود به نظام سرمایه‌داری و اقتصاد جهانی؛ استفاده از اعتبار آمریکا برای کسب امتیازهای اقتصادی منطقه مانند خط لوله انتقال نفت باکو-جیحان؛ نیاز ترکیه به آمریکا در برابر هژمونی روسیه در منطقه؛ مهار کشمکش‌های قومی کردها؛ بهره‌مندی از حمایت آمریکا در نفوذ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و قومی به منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز. (افضلی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۹۵)

در نتیجه، این مناسبات آمریکا به گونه‌ای افراطی، ترکیه را برای پایان دادن به روابط گسترده و عمیق خود با ایران تحت فشار قرار می‌دهد. هم‌اکنون، ترکیه در کنار اسرائیل همچنان مهم‌ترین هم‌پیمان آمریکا در خاورمیانه است. داوطلب شدن برای پذیرش استقرار سپر موشکی، همراهی با ناتو در حمله به لیبی، فشار و تهدید سوریه، نمونه‌های بارز وفاداری به این هم‌پیمانی است. (ابراهیمی و شاه قله، ۱۳۹۱: ص ۸۱-۸۲) به طور کلی، رابطه ترکیه با آمریکا سبب می‌شود که این کشور خود را به عنوان حافظ منافع آمریکا در جنبه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی به منطقه تحمیل کند و این آن چیزی است که با سیاست‌های ایران سازگاری ندارد و می‌تواند در همه‌ی جنبه‌ها، برای ایران تهدیدات امنیتی به وجود آورد.

- تبلیغ مدل لیبرال دموکراسی غربی

ترکیه نوعی صورت‌بندی از لیبرال دموکراسی را به منطقه و ایران توسعه می‌دهد که در تعارض جدی با گفتمان سیاسی حاکم بر ایران و الگوی مورد قبول این کشور قرار می‌گیرد. قرائت حزب عدالت و توسعه از اسلام به نحو متفاوتی از ایران است. این حزب اصولاً وابسته به جریان روشن‌فکری دینی در ترکیه است که قرائت‌های آن از مبانی اسلامی با قرائت سنت‌گرایان متفاوت است. ویژگی این جریان معرفی اسلام «رحمان و رحیم» است که همه انسان‌ها را دارای حقوق طبیعی و برخوردار از کرامت انسانی می‌داند. در این قرائت از اسلام، خشونت،

ترورهای کور، مطلق‌اندیشی و مطلق‌بینی جایگاهی ندارد. روشن‌فکری دینی در ترکیه توانسته است با مهارت و واقع‌بینی میان اسلام و مدرنیته پیوند زند و مبانی و اصول مدرنیته را بومی یا ترکی کند. آرام آرام بخش‌های قابل توجهی از مردم ترکیه قانع شده‌اند که می‌توان هم مسلمان بود، هم یک ملی‌گرای واقعی ترک و هم می‌توان به مبای مدرنیته در قلمرو سیاست و اقتصاد متعهد بود. (یزدی، ۱۳۸۲/۸/۱۰) ترکیه براساس رویکرد خود از اسلام و به دور از ایده‌های اسلام سیاسی تلاش می‌کند وضعیت دموکراسی را در خاورمیانه با استفاده از الگوی غالب لیبرالی و غربی بهبود ببخشد. ترکیه هم از لحاظ تفکر و هم از لحاظ سیاست‌گذاری برای این منظور فعالیت می‌کند. ترکیه در قالب سیاست خارجی جدید خود به ویژه در سال‌های اخیر و در جریان تحولات موسوم به خیزش عربی در طرفداری از مردم کشورهای همسایه موضع‌گیری می‌کند و تلاش دارد سیاست خارجی آن در خاورمیانه "رنگ دموکراتیک" به خود بگیرد که می‌تواند بازتابی از تلاش این کشور برای سوق دادن سایر کشورها به سمت لیبرال دموکراسی باشد؛ روندی که اکنون در خود این کشور جریان دارد. پس ترکیه تلاش برای معرفی نوعی الگوی اعتدالی، مدرن و دموکراتیک به منطقه دارد و به نوعی مدعی رهبری خاورمیانه به سوی دموکراسی لیبرالی است.

توسعه‌ی دموکراسی بحث هنجاری و هویتی و مرتبط با امنیت هویتی ترکیه است که در تعارض با امنیت هویتی و برداشت اسلام سیاسی ایران قرار می‌گیرد. ایران خود را پایبند به نوعی تفسیر از مردمسالاری (دموکراسی) می‌داند که برخاسته از اسلام است و در بسیاری از جهات تلاش می‌کند قوانین شرعی مبتنی بر تفسیر شیعه را توسعه دهد. در این میان ممکن است زیاد پایبند به الگوی لیبرال دموکراسی غربی نباشد. در نتیجه، باید گفت که اسلام سیاسی ایران تفسیر خاصی از دموکراسی ارائه می‌دهد که مرزبندی هویتی روشنی با تفسیر سکولار غالب بر ترکیه دارد. بنابراین، سیاست خارجی ترکیه، تلاش این کشور برای نفوذ به کشورهای منطقه و ایران و ترویج تفسیر لیبرالی رایج این کشور از دموکراسی به آنها می‌تواند تأثیرات منفی برای ایران به بار بیاورد. این امر در تحولات خیزش عربی منطقه و حمایت ترکیه از مخالفان دولت سوریه که مناسبات استراتژیک با ایران دارد، به وضوح قابل مشاهده است. موضع‌گیری‌ها و عملکرد سال‌های اخیر دولت ترکیه حاکی است که رهبران این کشور در تلاش برای رهبری جهان اسلام و ارائه مدلی جایگزین از اسلام سیاسی هستند که با برداشت جمهوری اسلامی ایران از اسلام متفاوت است. در این راستا تأکید بر هویت اسلامی دولت آنکارا و پیوندهای عمیق آن با جهان اسلام و ترمیم نگاه مسلمانان به ترکیه از یک سو و نزدیکی با جهان غرب و

اروپا از سوی دیگر مورد توجه قرار گرفته است. (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۵۰)

- ائتلاف با اسرائیل و آذربایجان بر علیه ایران

یکی از بازتاب‌های سیاست خارجی ترکیه را می‌توان همراهی این کشور با اسرائیل و آذربایجان دانست. این را به نوک پیکان این مثلث همگرایی ترکیه- آذربایجان و اسرائیل چه بخواهیم و چه نخواهیم بر علیه ایران خواهد بود. توافق مخفیانه دولت اسرائیل و دولت آذربایجان که اخبار آن در مجله فارین پالیسی در مارس ۲۰۱۲ درز کرد، بیانگر موضع خصمانه آذربایجان در قبال ایران است و بسیار خطرناک ارزیابی می‌شود. طبق این توافقات، دولت آذربایجان یک پایگاه هوایی نزدیک مرزهای شمالی ایران را در اختیار اسرائیل قرار می‌دهد. این امر خطر حمله نظامی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران را افزایش می‌دهد. گسترش نفوذ نظامی اسرائیل در آذربایجان، تنش‌ها میان ایران و اسرائیل را افزایش داده و آن را پیچیده‌تر خواهد کرد. (عرب، ۱۳۹۱/۲/۱۵) آذربایجان از زمان استقلال خود در ۱۹۹۱ نشان داده است که نزدیک‌ترین دوست اسرائیل در جهان اسلام شده است. شرکت ترکیه به عنوان مهم‌ترین متحد آذربایجان در این محور ضد ایرانی می‌تواند تأثیرات منفی بر نقش ایران در منطقه داشته باشد. برای مثال می‌توان به همکاری نظامی با اسرائیل اشاره کرد. در آوریل ۲۰۱۳ روزنامه انگلیسی «ساندی تایمز» خبری منتشر کرد، مبنی بر اینکه دولت ترکیه می‌خواهد برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، به رژیم اسرائیل پایگاه بدهد. در این گزارش آمده بود که «یاکوف آمیدرور»، رئیس شورای امنیت رژیم اسرائیل، قصد دارد با ارائه پیشنهاد تحویل شماری موشک و فناوری پیشرفته نظامی به ترکیه، از این کشور اجازه استفاده از پایگاه هوایی در فاصله ۱۰۰۰ مایلی مرز ایران را بگیرد. ترکیه به رغم واکنش مبنی بر رد این خبر، اما دولت این کشور موضوع همکاری نظامی با رژیم اسرائیل علیه ایران را به کلی رد نکرده و صرفاً آن را «در مرحله کنونی» منتفی دانسته است؛ به عبارت دیگر، این چشم‌انداز که در آینده چنین همکاری انجام پذیرد، وجود دارد. (تابناک، ۱۳۹۲/۲/۲) بنابراین، پس از رسیدن روابط آنکارا - تل آویو به «مرحله مورد نظر»، اقدامات ضدایرانی در خاک ترکیه نیز تشدید می‌شود. این رویکرد به روشنی امنیت ملی ایران را چه به لحاظ امنیت نظامی و چه سیاسی تهدید می‌کند و از نگاه امنیت هویتی نیز موجب تحکیم محورهای گفتمان صلح غربی - اسرائیلی منطقه بر علیه ایران خواهد شد.

- همکاری با کشورهای عرب خلیج فارس بر علیه ایران

بعد از تحولات جهان عرب موسوم به بهار عرب استراتژی ایجاد توازن ترکیه در خصوص تحولات منطقه تغییر کرده و ترکیه به‌طور فعال در صدد تقویت محور سنی در منطقه و نقش-

آفرینی در قالب آن برآمده است و این رویکرد ترکیه به ویژه در مورد بحران سوریه به خوبی قابل مشاهده می‌باشد. تخریب روابط ایران و ترکیه و شکاف بین این دو کشور منجر به نزدیکی هر چه بیشتر طرف ترک به اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس خواهد شد که نهایتاً به تقویت قطب سنی در منطقه خواهد انجامید و کاملاً به ضرر ایران و محور شیعی خواهد بود. (عرب، ۱۳۹۱/۲/۱۵)

ترکیه به طور رسمی از سال ۲۰۰۸ با امضای پیمان راهبردی سیاسی، اقتصادی و امنیتی با شورای همکاری خلیج فارس وارد این حوزه شد. این پیمان در نوع خود، اولین پیمان بین شورای همکاری خلیج فارس و دولت‌های دیگر بود. از طرف دیگر، درک جمهوری اسلامی ایران از انعقاد این پیمان، تمایل شورای همکاری خلیج فارس به ایجاد توازن راهبردی با انگیزه مقابله با ایران بوده است. همین موضوع تا حد زیادی باعث نگرانی ایران از اقدامات ترکیه در خلیج فارس شده است. این نگرانی ایران منطقی است، زیرا از دیدگاه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، همکاری راهبردی با ترکیه می‌تواند به تعادل قدرت ایران در خلیج فارس کمک کند. در این راستا کشورهای عربی حوزه خلیج فارس عضویت ترکیه به عنوان یک عضو ناظر در اتحادیه عرب و تقویت همکاری با ناتو را در دستور کار خود قرار دادند. (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۵۲)

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی مناسب هر کشوری با توجه به مکتب کپنهاگ، سیاستی است که به امنیت چندبعدی توجیهی ویژه نماید و برای کسب امنیت ملی خویش، نگاه ویژه‌ای به امنیت منطقه‌ای خود داشته باشد. بر این اساس سیاست خارجی به این دلیل باید به امنیت نگاه چندبعدی داشته باشد که به عنوان مثال، تهدیدات اقتصادی متفاوت از تهدیدات نظامی است. تهدیدات اقتصادی خارجی ممکن است از جانب اقتصاد جهانی صورت بگیرد؛ چرا که هیچ کشوری به تنهایی توان مقابله با اقتصاد جهانی را ندارد و تصمیمات آنها، هر چند هم غیرمنصفانه باشد، امنیت اجتماعی را متاثر می‌سازد. بنابراین بازیگران اقتصاد بین‌المللی ممکن است تصمیم بگیرند که توان یک دولت را در زمینه تامین مایحتاج نیروهای نظامی و تهیه نیازهای اولیه مردمش تحت تاثیر قرار دهند و بدین وسیله به امنیت اجتماعی و ثبات رژیم حاکم صدمه وارد کنند.

در این پژوهش، استدلال شد که سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۲ براساس مفهوم امنیت موسّع شکل گرفته است. در برابر امنیت به معنای محدود و مضیق آن در مطالعات سنتی امنیت قرار می‌دهد که بر محور نظامی به عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بوده

است. این مکتب مفهوم امنیت تک بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش داد. رهیافت سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، امنیت را در معنای مضیق فقدان تهدید نظامی تعریف نمی‌کند، بلکه تعریفی موسع از آن به دست می‌دهد. این رهیافت به دنبال پایان اختلافات و ارتقای ثبات در ترکیه، جایگزینی اختلافات با همکاری، یافتن سازوکار و شبکه‌های ابتکاری برای حل منازعات منطقه‌ای، تشویق تغییر مثبت در منطقه و ساختن پیوندهای بین فرهنگی گفتگو و درک متقابل است. ترکیه همزمان افزایش امنیت اقتصادی و سیاسی و کسب نفوذ سیاسی و اقتصادی در مناطقی که در گذشته تاریخی جزو حوزه-ی نفوذ امپراطور عثمانی بود (مناطق چوچون بالکان، آسیای مرکزی و خاورمیانه) دنبال می‌کند. تا پیش از این تغییرات، ترکیه به عنوان یک عضو ناتو در یک بخش بی‌ثبات ولی با اهمیت راهبردی در جهان مطرح بود که به وسیله قدرت نظامی و ساختار کمالیستی پایه‌ریزی شده بود. همچنین ترکیه با بهره‌گیری از عمق فرهنگی-تاریخی دوران عثمانی خود را در مرکزیت ژئوپلیتیکی و نیز ژئوکالچری دوران عثمانی تصور می‌کند و علاوه بر این، مرزهای امنیت هویتی کشور خود را نه در محدوده مرزهای ترکیه کنونی، بلکه در محدوده مرزهای عثمانی در دوران اقتدار ترسیم می‌کند.

در پایان باید گفت که سیاست خارجی ترکیه با معرفی آن به عنوان یک کشور اسلامی سکولار اما موفق در منطقه خاورمیانه، پیروی از مدل لیبرال دموکراسی غربی-آمریکایی و پیگیری آن در منطقه‌ی خاورمیانه و برعلیه ایران، مناسبات عمیق و راهبردی با آمریکا و حمایت از سیاست‌های آن در جلوگیری از دستیابی موفقیت‌آمیز ایران به انرژی هسته‌ای، استقبال از استقرار سپر موشکی آمریکا در خاک ترکیه، همراهی با اسرائیل و آذربایجان در ائتلاف برعلیه ایران و همکاری با کشور عرب خلیج فارس برای کاستن از نفوذ منطقه‌ای ایران و تضعیف محور مقاومت، در راستای تهدید و خلق چالش برای سیاست خارجی ایران در منطقه گام بر می‌دارد.

منابع فارسی

کتاب

- بوزان، بری (۱۳۷۸)، مردم، دولتها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقالات

- ابراهیمی، شهروز (۱۳۷۹)، تحول مفهوم امنیت: از امنیت ملی تا امنیت جهانی، مجله سیاست دفاعی، شماره‌ی ۳۱

- ابراهیمی، نبی‌ا... (۱۳۸۶)، تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ، مجله سیاست خارجی، شماره‌ی ۸۲

- جهانگیر کرمی، زینب نجفی (۱۳۹۰)، همکاری‌های روسیه و ترکیه: هدف‌ها، گستره و چشم‌اندازها، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۹

- حسین مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۱). تأثیر برنامه هسته‌ای ایران بر امنیت ملی ترکیه (در پرتو تئوری توازن قوا)، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره‌ی ۲

- سجاد محسنی، سجاد صالحی (۱۳۹۰)، اهداف آمریکا از امنیتی‌کردن فعالیت هسته‌ای ایران: با نگاهی به مکتب کپنهاگ، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌ونجم، شماره‌ی ۳

- رسول افضل، افشین متقی (۱۳۹۰)، بررسی و تبیین ژئوپلیتیکی اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه از ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱، با رویکرد سازه‌انگاری، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۴

- علی امیدی، فاطمه رضایی (۱۳۹۰)، عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره سوم

- کواکبی، ایوب (۱۳۷۵)، درآمدی بر حزب رفاه ترکیه، مجله سیاست خارجی، سال دهم، شماره دوم

- محمدعلی حیدری، حمید رهنورد (۱۳۹۰)، نوع‌ثمنی‌گرایی و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترکیه (با تکیه بر تحولات بهار عربی)، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره دوم

- مفیدی احمدی، حسین (۱۳۸۹)، سیاست خارجی ترکیه در چارچوب رویکرد جدید آنکارا نسبت به غرب، فصلنامه سیاست خارجی، شماره‌ی ۹۵

- نقدی‌نژاد، حسن (۱۳۸۷)، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه، پژوهش‌نامه مرکز

خبرگزاری

- تابناک (۱۳۹۲/۲/۲)، به وقتش علیه ایران با رژیم اسرائیل همکاری می‌کنیم، قابل دریافت در: <http://www.tabnak.ir/fa/news/314998>

- عرب، علیرضا (۱۳۹۲/۲/۱۵)، رابطه با ترکیه قربانی روابط با سوریه نشود قابل دریافت در: irdiplomacy.ir/fa/page/1900649/html

- یزدی، ابراهیم (۱۳۸۲/۸/۱۰)، اسلام‌گرایی و دموکراسی: تجربه‌ی ترکیه، روزنامه اعتماد ملی

English Resources

- Friis, Karsten (2000), **From Liminarsto others: Securitation through Myths**, A Journal of Network of Peace and Confikhct Studies, vol. 7, no. 1

- Nigar Goksel, D. (2008), **Turkey's Policy Towards the Caucasus**, in *Caucasus Neighborhood: Turkey and the Sought Caucasus*, Caucasus Institute, Yerevan

